

ضرورت بازنگری وضعیت کشاورزی سیستان

نظر دهمرده*

مقدمه

در این نوشتار تلاش بر این است تا با یک تحقیق میدانی ضرورت بازنگری وضعیت کشاورزی سیستان و اینکه آیا ترکیب فعلی کشاورزی سیستان مقرون به صرفه اقتصادی است یا خیر، مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا ابتدا فرض برنامه‌ریزی توسعه سیستان و آنگاه فرضیه مورد بحث مورد آزمون واقع می‌گردد.

-فروض برنامه‌ریزی توسعه سیستان:

- ۱- به دلیل اینکه در جریان توسعه دنبال دست‌یابی به اهداف چندگانه‌ای هستیم، اقدامات متعددی لازم است، هماهنگی این اقدامات در قالب یک یا چند سازمان نظیر سازمان عمران سیستان در ایجاد زمینه‌های توسعه موثر خواهد بود.
- ۲- دست‌یابی به این اهداف یا به عبارتی تأمین رفاه بصورت فردی امکان‌پذیر نیست و نیازمند همکاری همگان و ارتقاء زندگی همه افراد جامعه است.
- ۳- با توجه به محدودیت مالی و نیروی انسانی متخصص و با توجه به اینکه مردم در تشخیص نیازها و ارائه راه‌حل‌ها و اجراء توانائی لازم را دارند ایجاد زمینه لازم برای مشارکت مردم در همه امور منطقه الزامی است.
- ۴- تنوع و تغییر در سیاست‌ها بایستی مد نظر سازمانها باشد و انعطاف‌پذیری در آنها بایستی زیاد باشد.
- ۵- واگذاری امور به متخصصین لایق، شایسته و متعهد.
- ۶- بازبودن سیستم مدیریتی و بکارگیری افراد مردم و کسانی که علاقمند به سازندگی منطقه هستند و صداقت و راستی و روحیه انتقاد‌پذیری دارند و بطور علمی و منطقی علاقمند به سازندگی

* - هیأت علمی دانشگاه س و ب

منطقه هستند .

۷ - سیاستهای سازمان عمران سیستان بایستی همان اصل مهم اقتصادی منفعت به هزینه باشد و در بعضی موارد با توجه به شرایط اجتماعی منطقه منافع اجتماعی ملاک ارزیابی طرحها قرار گیرد .

۸ - مجموعه سیستان بصورت یک سیستم است که متغیرهای درونی بسیار دارد و دست‌اندرکاران امور برنامه ریزی بایستی آنها را جدای از هم مورد بررسی قرار دهند . (اقتصاد ، فرهنگ ، سیاست های درون مرزی و برون مرزی ، جامعه شناسی ، ... شهری و روستائی)

۹ - برنامه ریزی بایستی با توجه به روحیات و فرهنگ مردم منطقه باشد و توجه و استفاده از روحیات و فرهنگ مردم در برنامه ریزی لازم است .

۱۰ - از بین بردن فقر فرهنگی و تلاش در جهت تحول فرهنگی و ایجاد زمینه برای پذیرش بسیاری از باورهای فرهنگی موثر در توسعه نظیر نظم و انضباط فردی و اجتماعی ، احترام به قانون حفظ حقوق دیگران ، تقدس کار ، توجه به علم در بین قشر نوجوان بالاخص در دوران دبستان و راهنمائی و تضعیف باورهای فرهنگی مخرب و استفاده از فرهنگ غنی مذهبی در بین عموم مردم لازم می‌باشد.

فرضیه :

فرضیه مورد تحقیق عبارت است از :

H_0 = ترکیب فعلی کشاورزی سیستان از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است.

H_1 = ترکیب فعلی کشاورزی سیستان از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست.

نست این فرضیه نیازمند اطلاعات و آمار کافی و دقیق از تولید محصولات زراعی و دامی منطقه و همچنین برآورد هزینه‌های مربوطه طی یک سری زمانی طولانی فقط امکان پذیر است که آن هم با توجه به کمبود آمار و اطلاعات در سطح منطقه بالاخص در مورد هزینه‌ها عملی نیست و اصولاً تاکنون هیچگونه معیار اقتصادی نظیر معیار هزینه - فایده در مورد تولید محصولات زراعی و دامی در منطقه ملاک قرار نگرفته است . زیرا به علت نیمه سستی بودن کشاورزی منطقه و تا حدودی حاکم بودن اقتصاد سستی معیشتی بر سطح زندگی روستائیان و تولید برای مصرف و خودکفائی ، دیگر معیار

اقتصادی بودن تولیدات معاصر مفهوم خود را از دست میدهد. همچنین روند حاکم بر تولیدات کشاورزی منطقه نشان میدهد که به مرور زمان با وجود ثابت ماندن سطح زیر کشت منطقه. تولیدات کشاورزی همواره دارای بازدهی نسبتاً ثابتی بوده در حالیکه هزینه‌ها سیر صعودی داشته است برای اثبات این موضوع ورد یا پذیرش فرضیه مورد نظر. میزان درآمد و هزینه کشت محصولات اساسی گندم و جو را در یک هکتار زمین طی سالهای ۵۲، ۶۰، ۷۰ طبق جدول شماره ۱ مورد بررسی قرار میدهم.

جدول شماره ۱ مقایسه متوسط هزینه تولید محصولات گندم و جو

در یک هکتار زمین در سالهای ۱۳۵۲ - ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰

واحد - ریال

هزینه سال	۱۳۵۲	۱۳۶۰	۱۳۷۰
هزینه کاشت	۵۹۵۰	۱۷۲۰۰	۵۱۲۰۰
هزینه داشت	۵۰۰	۲۰۰۰	۱۳۲۰۰
هزینه برداشت	۸۲۰	۸۳۵۰	۴۵۵۰۰
جمع هزینه	۷۲۷۰	۲۷۵۵۰	۱۱۰۰۰۰
جمع درآمد	۱۱۳۰۰	۴۱۰۰۰	۲۴۰۰۰۰
ارزش افزوده	۴۰۳۰	۱۳۴۵۰	۱۳۰۰۰۰

در سال ۱۳۵۲ کل مبلغ هزینه شده جهت کشت یک هکتار زمین حدود ۷۲۷۰ ریال بوده و درآمد ناشی از آن حدود ۱۱۳۰۰ ریال بوده است که ارزش افزوده‌ای معادل ۴۰۳۰ ریال را نشان میدهد. در سال ۱۳۶۰ هزینه برآورد کشت یک هکتار زمین، تقریباً ۲۷۵۵۰ ریال و درآمد حاصل از آن حدود ۴۱۰۰۰ ریال بوده است که ارزش افزوده‌ای معادل ۱۳۴۵۰ ریال ایجاد نموده است رقم هزینه کشت گندم و جو در یک هکتار در سال ۱۳۷۰ حدود ۱۱۰۰۰۰ ریال و درآمد حاصل از آن ۲۴۰۰۰۰ ریال بوده که ارزش افزوده معادل ۱۳۰۰۰۰ ریال را عاید کشاورز نموده است، چنانچه ارزش افزوده‌های

این سه سال را بر حسب کیلوگرم گندم و یا جو محاسبه نمائیم ، تقریباً درآمدهای این سه سال با هم برابر میشود و بهبودی در جهت کسب درآمد بیشتر و یا افزایش عملکرد در هکتار مشاهده نمیشود که این بیانگر حاکم بودن اقتصاد معیشتی بر منطقه می باشد. همچنین هزینه محصولات اساسی کشاورزی نظیر گندم و جو و دیگر محصولات کشاورزی در رابطه مستقیم با تورم عمل نموده و پیوسته سیر صعودی را طی نموده است. این افزایش هزینه موجب بالارفتن قیمت تمام شده و در نتیجه عدم تمایل به افزایش تولید از سوی تولیدکنندگان شده است .

بنابر این کسب درآمد ثابت از یکطرف و بالارفتن هزینه تولید و مصرف از طرف دیگر و هم چنین افزایش جمعیت منطقه ، ترکیب فعلی زراعی منطقه مشتمل بر کشت گندم و جو نمی تواند مقرون به صرفه اقتصادی باشد و فرض HO پذیرفته نمیشود . در اینصورت لزوم برنامه ریزی در دو جهت زیر مشاهده میشود :

۱- تغییر الگوی کشت از فعالیتهای زراعی به سمت فعالیتهای دامپروری و شیلات

۲- حرکت به سمت کشاورزی مکانیزه چند منظوره

جهت گیری اول که بیانگر تغییر الگوی کشت می باشد با توجه به فرهنگ کشاورزی منطقه و وابستگی شدید روحی کشاورزان منطقه به کشت گندم و جو از یکطرف و عدم ثبات آب رودخانه هیرمند در مورد تامین آب به موقع و کافی برای کشت علوفه جهت گسترش دامپروری و ایجاد استخرهای پرورش ماهی ، ریسک زیادی را به دنبال دارد که کشاورزان چنین ریسکی را نمی پذیرند ، زیرا با توجه به جدول شماره ۲ ، آب مورد نیاز ترکیب فعلی کشاورزی سیستان جهت تامین کشت علوفه مثل کشت علوفه مثل سورکم و شبدر و یونجه و حتی جو ، بالاترین مقدار مورد نیاز آب در بین سایر محصولات کشاورزی می باشد زیرا با وجود اختصاص یافتن سطح کشت ۱۱۵۰۰ هکتار به یونجه و شبدر و سورکم (۱۰ درصد کل سطح زیر کشت) ، حدود ۴۰ درصد آب منطقه بایستی به کشت این دو گونه اختصاص یابد و اگر چنانچه بخواهیم الگوی کشت منطقه را تغییر داده و از سطح زیر کشت گندم و جو کاسته و بر سطح زیر کشت گیاهان علوفه ای افزوده شود ، متضمن تامین آب بیشتر برای منطقه خواهد بود که آنهم امکان پذیر نیست ، مگر اینکه طرحهای در دست اجرای منطقه از قبیل افزایش ذخایر آبی منطقه و احداث چاه نیمه چهارم با موفقیت به اتمام رسد.

جدول شماره ۲ ترکیب فصلی محصولات زراعی سیستان

نام محصول	سطح زیر کشت (هکتار)	متوسط عملکرد در هکتار (کیلوگرم)	آب مورد نیاز (متر مکعب)	تولید علوفه خشک (کیلوگرم)
گندم	۶۵۰۰۰	۱۲۰۰	۷۰۰۰	۹۰۰
جو	۱۵۰۰۰	۱۲۰۰	۷۰۰۰	۷۲۰
سورگم	۱۵۰۰	۶۰۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۲۰۰۰
یونجه (شیدر)	۱۰۰۰۰	۲۱۰۰۰	۱۸۵۰۰	۷۰۰۰
صیفی جات	۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	--
حبوبات	۲۵۰	۵۰۰	۴۰۰۰	--
پیاز	۲۸۰	۱۵۰۰۰	۳۰۰۰	--
مو	۱۵۰۰	۷۰۰۰	۱۲۰۰۰	--
سبزیجات	۱۵۰	--	۸۰۰۰	--
جمع	۱۱۳۶۸۰		۸۴۵۰۰	

مأخذ - مرکز تحقیقات کشاورزی زابل - مصاحبه با کارشناسان مسئول

در همین زمینه گسترش شیلات و ایجاد استخرهای پرورش ماهی در اراضی بالا استفاده و استفاده و جلوگیری از هز آبهای فصلی نیز می تواند ترکیب فعلی کشاورزی سیستان را تحت الشعاع قرار دهد زیرا با توجه به جدول شماره ۳ درآمد حاصل از پرورش ماهی در سطح یک هکتار حدود ۱۸۵۴۱۴۸ ریال می باشد که دارای توجیه اقتصادی بوده و در جهت تامین بخشی از پروتئین مورد نیاز منطقه و ایجاد اشتغال موثر واقع میشود متنی همه این موارد مشروط به وضعیت آب منطقه و بالاخص با آنچه که در رابطه با آب هیرمند بین دولتین ایران و افغانستان می گذرد بستگی دارد. با توجه به موارد فوق ، تغییر الگوی کشت منطقه از زراعت به دامپروری و شیلات به سادگی امکان پذیر نمی باشد و لذا جهت گیری دوم که حرکت به سمت کشاورزی مکانیزه و مدرن می باشد می تواند وضعیت اقتصادی سیستان را بهبود بخشد که آنهم با توجه به کوچک بودن

قطعات زمین و نحوه مالکیت ها ، از طریق یکپارچه سازی اراضی مشکلاتی را بدنبال دارد ولی چنانچه قبلاً گفتیم با توجه به محدود بودن وسعت اراضی کشاورزی سیستان و رشد روزافزون جمعیت ، کشاورزی سنتی و نیمه سنتی نمی تواند زمینه افزایش درآمد و ایجاد اشتغال را فراهم سازد و در نهایت این بخش صنعت و بالاخص صنایع تبدیلی و مکمل است که می تواند در جهت تأمین اشتغال و افزایش درآمدها مفید واقع شود ، و چون تولیدات اینگونه صنایع مستمر می باشد و کشاورزی سنتی و فصلی نمی تواند مواد مورد نیاز اینگونه صنایع را پیوسته ارائه دهد در اینصورت حرکت به سمت کشاورزی مکانیزه مدرن بیش از پیش ضروری به نظر می رسد.

گسترش بخش صنعت و کشاورزی به موازات هم می تواند در جهت صنعتی شدن منطقه متمرکز باشد ولی از آنجا که صنعت امروزی بیشتر سرمایه بر است تا کاربر ، در اینصورت نیاز این صنایع بیشتر به نیروی کار ماهر و نیمه ماهر است تا نیروی کار ساده رها شده از بخش کشاورزی بنابراین احداث صنایع کاربر بیشتر با جمعیت فعال منطقه هم خوانی دارد و وقتی چنین صنایعی گسترش یابند آنگاه انتقال نیروی مازاد کشاورزی به بخش صنعت مفید واقع میشود و بخش کشاورزی نیز قبل از افزایش قابل ملاحظه بهره وری کشاورزی و توسعه نسبتاً وسیع صنایع بایستی نیروی کار خود را در روستاها حفظ کنند و در مواقع ضروری و نیاز بخش صنعت ، مازاد نیروی کار خود را رها سازد، در این صورت با افزایش درآمد روستائیان ، بخش کشاورزی می تواند مقداری از درآمد خود را پس انداز نموده و آن را در جهت توسعه کشاورزی و یا دیگر بخش ها بکار اندازد ، به این ترتیب عرضه اعتبار برای سرمایه گذاری افزایش خواهد یافت و از این طریق تسهیلاتی در جهت توسعه اقتصادی فراهم خواهد شد در این میان شاید اساسی ترین جنبه رابطه بین بخش کشاورزی و صنعت احتیاج هر بخش به بخش دیگر جهت فروش محصولات تولیدی باشد بخش کشاورزی در صورت افزایش بهره وری و درآمد روستائیان می تواند بازار خوبی برای محصولات صنعتی سازد و شرط لازم برای تحقق اینکار رشد و توسعه متعادل صنعت و کشاورزی (Ballance growth) و توجه بیشتر به توسعه صنعتی در جهت حمایت کشاورزی است. در این نوع استراتژی گسترش فعالیتهای تولیدی صنعتی به نحوی است که کالاهای سرمایه ای و مصرفی مورد نیاز بخش کشاورزی از اولویت بیشتری برخوردار است در نتیجه نهادهای لازم برای تولید کشاورزی و فرآورده های مصرفی روستائیان به

طور ارزان و به مقدار کافی در اختیار این بخش قرار می‌گیرد و بدین ترتیب کشاورزان به تولید بیشتر فرآورده‌های کشاورزی جهت عرضه به بازار و افزایش درآمد ترغیب می‌گردند و با تبدیل کشاورزی بسته و سستی به یک کشاورزی وابسته و متکی به بازار و افزایش تدریجی بهره‌وری کشاورزی، زنجیر ارتباطی کشاورزی و بخش‌های دیگر اقتصاد قویتر و طولیل‌تر می‌گردد. با قوی شدن این ارتباط، نیاز بخش کشاورزی به نهاده‌هایی که در خارج از این بخش تولید می‌گردد، بیشتر و تبدیل موادخام کشاورزی به فرآورده‌های متنوع‌تر که مورد تقاضای مصرف‌کننده شهری است به تدریج گسترش می‌یابد گسترش فعالیت‌های قبل و بعد از تولید مواد خام کشاورزی باعث ایجاد اشتغال و درآمد بیشتر می‌گردد و بدین ترتیب، ارزش افزوده فرآورده کشاورزی بیشتر می‌گردد و این باعث افزایش سهم فعالیت‌های جنبی وابسته به کشاورزی خواهد گردید.

جدول شماره ۳ برآورد هزینه پورهش ماهی با سطح سفید ۴ هکتار

۷۴۱۶۵۹۲	سود ویژه سالیانه	
۴۴۰۰۰۰۰	درآمد سالیانه	
۶۹۸۳۴۰۸	جمع کل هزینه‌های سالیانه با توجه به استهلاک	
۵۰۳۹۴۳۰۰	جمع کل هزینه	
۲۲۰۵۰۰۰	هزینه‌های جاری سالیانه	
۱۵۰۰۰۰۰	هزینه‌های پرسنلی سالیانه	
۳۶۴۷۰۰	هزینه سالیانه براساس استهلاک ۳ ساله	هزینه‌های خرید ملزومات
		جمع هزینه
۱۸۱۶۵۰۰	هزینه سالیانه براساس استهلاک ۱۰ ساله	هزینه‌های خرید ماشین آلات
		جمع هزینه
۱۰۹۷۲۰۸	هزینه ثابت سالیانه براساس استهلاک ۲۵ ساله	هزینه‌های اجرائی طرح
		جمع هزینه